



۲۰۱۴/۰۱/۰۷



لمر احسان

«ویش زلمیان» یا «جوانان بیدار»

جناب محترم عزیز کهگدای!

حرمت و احترامات میرسانم. سطور زیبایی شما را تحت عنوان " **پند بزرگ شش جدی یا کودتا سوم** " مورخ دوم جنوری ۲۰۱۴ در سایت وزین افغان جرمن مطالعه نمودم، که در نفی یک سطر از آن سطور زیبا باید خدمت عرض نمایم که بعد از سرکوب خونین مشروطیت اول و دوم توسط وابستگان اجنبی و دشمنان واقعی سعادت و خوشبختی مردم افغانستان، بقایای از معارف مترقی امانیه بعد از هفده سال اختناق و دهشت و وحشت دوره سردار هاشم خان صدراعظم و با استفاده از دیموکراسی دوره سردار شاه محمود خان بار دیگر متبازر شدند که احزاب ویش زلمیان، وطن، ندای خلق نهضت آغا سید اسعیل بلخی و اتحادیه محصلین و... شامل آن بودند که محبت مفصل و جداگانه میخواهد.

سردار محمد داود خان که پرورده دامان خونین سردار هاشم خان است به صدارت کاکایشان مخالف بود - که این اختلافات و اندر داریها و به اصطلاح اودر زادگیها این خانواده افغانستان را تباہ نمود - آنها با استفاده از آزادیهای نسبی وقت " کلوب ملی " را با نقش برجسته مرحوم زابلی، و عده ای دیگر تشکیل نمودند و هم گماشته های خود داود خان و آقای زابلی در بین جوانان بیدار، اتحادیه محصلین احزاب ندای خلق و وطن نفوذ نمودند که بعد از سرکوب نهضت مشروطیت سوم (نهضت دوره هفتم شورای ملی) امتیاز و پست و مقام گرفتند مانند دفتر قلم مخصوص صدارت، پست های عالرتبه بشمول سکرتریت سفارتهای که نورمحمد تره کی یکی از آنهاست اما باقی مانده سرکوب و زندانی ویا تبعید شدند.

با کمال حرمت سطور ذیل شما همنوا نیستم که فرموده اید: " در خلال این مدت سردار محمد داود حزب "جوانان بیدار" را به وجود آورد که بعد ها دو حزب کمونستی خلق و پرچم از آن تراوش کرد...."

شما لیست بنیانگذاران این حزب را در قندهار و کابل در پایان این مقاله ملاحظه میفرماید که به غیر از نور محمد تره کی گماشته آقای زابلی هیچ فرد دیگر این تشکل بقول شما در تراوش "دو حزب کمونستی" سهم نبودند.

درذیل توجه شمارادرارتباط این نهضت به نوشته دست اول برگرفته از سایت <http://pashtun.info/ps> و از فامیل محمد رسول خان پشتون بنیانگذار این حزب که از سال (۱۳۳۱ - ۱۳۴۲) زندان سیاسی و کوتاه قلفی بود به حضور تقدیم مینمایم، ضمنا درین سایت شما شانزده شماره انگار ارگان نشراتی حزب ویش زلمیان و مقالات مرحوم محمد رسول خان پشتون را مطالعه میتوانید.

با تجدید احترامات فایقه . احسان لمر

نهضت

"ویش زلمیان" یا "جوانان بیدار"

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۸

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

نخستین حزب سیاسی است که در سال ۱۳۲۷ با برگزاری کنگره و تدوین مرامنامه، مرکز تجمع موقت بخشی از روشنفکران افغان از هر قشر اجتماعی و گرایش سیاسی قرار گرفت. وجه مشترک همه این روشنفکران را که بطور عمده از گروه قومی پشتون بودند، ناسیونالیزم افغانی که بعداً به فاشیسم قومی سوق داده شد، تشکیل می داد. این حزب در واقع زادگاه و سکوی پرواز گروه ها و احزاب قوم گرای کمونیستی و غیر کمونیستی بعدی به شمار می رود.

در کتاب آغاز و فرجام جنبش های سیاسی در افغانستان، مطالبی مشروحی در باره ویش زلمیان نوشته شده است که بخش عمده ای از متن آن در این جا نقل می شود: « ویش زلمیان یا جوانان بیدار، نخستین گروهی بود که در سال ۱۳۲۶ به شکل یک جنبش سیاسی با گرایش ناسیونالیستی، بوجود آمد و در سال ۱۳۲۷ به حزب سیاسی تبدیل شد. خلقی ها [یکی از دو جناح حزب دیموکراتیک خلق افغانستان] مدعی اند که مؤسس ویش زلمیان نور محمد تره کی بود و این حزب در منزل او واقع در "چهار دهی" کابل، با شرکت عده ای از روشنفکران تأسیس شد (۱)

دستگیر پنجشیری، از سران حزب کمونیست (حزب دیموکراتیک خلق افغانستان) به نقل از پایان نامه فوق لیسانس (ترز ماستری) شاه محمود حصین، می نویسد که اندیشه های ضد فیودالی و ضد استعماری ویش زلمیان در دامن انجمن ادبی کابل و مطبوعات دولتی جوانه زد و در طی حدود دو دهه شکل گرفت و بوسیله پنجاه تن از روشنفکران، شاعران و نویسندگان در رساله معروف "ویش زلمیان" بازتاب یافت. رساله مزبور توسط عبدالرؤف بینوا مدیر مجله کابل گرد آوری و چاپ شد. (۲)

در مورد اعضای مؤسس و محل تأسیس گروه ویش زلمیان نظریات متفاوتی وجود دارد. به نقل از عبدالهادی توخی و ابراهیم خواخوژدی، گفته می شود که ویش زلمیان در شهر قندهار توسط محمد رسول پشتون، کاکا محمد انور خان اچکزی، قاضی بهرام، غلام حیلانی الکوزی، عبدالهادی توخی، عبدالصمد کارگر و عبدالخالق واسعی تأسیس شد. (۳) محمد حسن ضمیر صافی؛ صدیق الله رشتین، محمد گلاب ننگر هاری و گل پاچا الفت را مؤسس گروه مذکور معرفی می کند، اما شاه محمود حصین به این نتیجه رسیده است که جنبش جوانان بیدار (ویش زلمیان) در شهر های کابل، قندهار، هرات، ننگرهار و مزار شریف جوانه زد و سپس افراد همفکر در شهر کابل گرد آمده و آن را بهک سازمان سیاسی تبدیل کردند. ولی زلمی، می نویسد که گروه ویش زلمیان در سال ۱۳۲۵ (۱۹۴۹ میلادی) در کابل و در منزل نور محمد تره کی واقع در "جوی شیر" بطور مخفی تأسیس شد و نخستین کنگره آن نیز در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۹ میلادی) در اوایل ماه ثور (اردیبهشت) در منزل نور محمد تره کی در قلعه عبدالمجید زابلی واقع در دارالامان، برگزار گردید (۴). شاه محمود حصین اسامی ۲۱ تن از اعضای کنگره مؤسس ویش زلمیان را ذکر می کند که عبارت اند از: نور محمد تره کی، عبدالرؤف بینوا، گل پاچا الفت، قیام الدین خادم، صدیق الله رشتین، فیض محمد انگار، محمد ارسلان سلیمی، نیک محمد پکتیانی، گلشاه صافی، پاینده محمد روهیلی، عبدالقدوس پرهیز، محمد ظاهر، نور محمد پونده، عبدالکریم نژیهی (جلوه)، لعل محمد احمدی، عبدالصمد پتک، غلام رحمان جرار، ولی زلمی، عبدالهادی خوژمی، شاه مراد و ابوالحسن. کنگره مؤسس هیأت مدیره را متشکل از نور محمد تره کی، عبدالرؤف بینوا، قیام الدین خادم و محمد ارسلان سلیمی انتخاب کرد (۵).

دستگیر پنجشیری می نویسد که نخستین جلسه گروه ویش زلمیان بعد از کنگره مؤسس در منزل میر محمد صدیق فرهنگ دایر شد که در آن جلسه میر غلام محمد غبار نیز به عضویت این گروه در آمد. از این که نخستین جلسه حزبی در منزل میر محمد صدیق فرهنگ دایر شد، چنین بر می آید که آقای فرهنگ از ابتدا عضو ویش زلمیان بوده است. پنجشیری می افزاید در سومین جلسه که در پغمان دایر شد غبار و فرهنگ هر دو از گروه ویش زلمیان جدا

شدند و این جدایی به علت نفوذ پشت پرده عبدالمجید زابلی و سردار محمد داوود در رهبری این گروه صورت گرفت (۶) .

میر غلام محمد غبار در مورد مؤسسان حزب ویش زلمیان می نویسد : « اشخاص ذیل مؤسسين و رهبران عمده حزب را درکابل ، قندهار و ننگرهار تشکیل می دادند : عبدالرؤف خان بینوا، گل پاچا خان الفت، فیض محمد خان انگار، نور محمد خان تره کی، غلام حسن خان صافی (این دو نفر اخیر از دستۀ عبدالمجید زابلی بودند)، محمد رسول خان پشتون، عبدالشکورخان رشاد، عبدالهادی خان توخی، محمد انور خان اچکزایی، قاضی بهرام خان، غلام جیلانی خان، قاضی عبدالصمد خان، فتح محمد خان ختکر، نور محمد خان قاضی خیل، محمد ابراهیم خان خواخوژی ، محمد ناصر خان لعل پوری ، صوفی ولی محمد خان ، آقا محمد خان کرزی، محمد موسی خان شفیق، غلام محمد خان پویل، محمد طاهر خان صافی ، قیام الدین خان خادم ، ارسلان خان سلیمی، نیک محمد خان پکتیانی، صدیق الله خان رشتین، عبدالعزیز خان، عبدالخالق خان واسعی، محمد علی خان، نور احمد خان شاکر، محمد رسول خان مسلم ، محمد حسین خان ریدی، عبدالرزاق خان فراهی، محمد نور خان اعلم، مولوی عبیدالله خان صافی، گل شاه خان صافی ، ظهور الله خان همدرد، محمد شریف خان قاضی، عبدالمنان خان دردمند ، آقای ملیا، عبدالصمد خان ویسا، محمد علی بسرکی و چند نفر دیگر. منشی حزب در اوایل عبدالرؤف خان بینوا ، و در اواخر عبدالرزاق خان فراهی بود. مصارف حزبی از اعانه اعضا تکا فو می شد. ارگان نشراتی حزب اول جریده انگار به امتیاز فیض محمد خان انگار منتشر می شد (تأسیس مارچ ۱۹۵۱ و توقیف در اپریل سال مذکور) ، باز جریده ولس جای آن را گرفت که از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ به امتیاز گل پاچاخان الفت انتشار می یافت. به علاوه قبلاً در سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷) عبدالرؤف خان بینوا کتابی به نام ویش زلمیان، مرکب از یک عده مقالات اشخاص حزبی و غیر حزبی توسط ریاست پشتو توله منتشر ساخته بود. در این کتاب هم روشنفکران ملی و هم نمایندگان دولت (مثلاً عبدالمجید خان زابلی وزیر اقتصاد وقت) نوشته هایی فرستاده بودند.» (۷) .

غبار اهداف و مرانامه حزب ویش زلمیان را به این شرح معرفی می کند : « مرانامه حزب ویش زلمیان از این قرار بود : اول تنویر افکار و تعمیم معارف . دوم مجادله با ظلم و خیانت . سوم اصلاح عادات سیئه و خرافات . چهارم همراهی حق و حقانیت . پنجم ایجاد وحدت ملی. ضمیمه این مرانامه منتشرهک تشریحیه جداگانه نیز از طرف حزب زیر عنوان ویش زلمی کیست ، قرار ذیل نشر گردید:

۱- کسی که به خیر و اصلاح ایمان کامل دارد. ۲- خونسرد و با حوصله است. ۳- به علت اغراض شخصی به هیچ کس به نظر حسد و کینه نگاه نمی کند. ۴- دروغ نمی گوید. ۵- تملق و چاپلوسی نمی کند و توقع آن را از دیگران ندارد. ۶- به شر و نزاع تن نمی دهد . ۷- به اعمار بیش از تخریب مایل است. ۸- با دین، ملت ، وطن و حکومت محبت دارد. ۹- مفاد اجتماعی را بر مفاد شخصی مقدم می شمارد. ۱۰- در راه حق ترس ندارد. ۱۱- با حق و حقانیت همراهی می کند. ۱۲- اگر مأمور باشد رشوت نمی خورد و ظلم نمی کند. ۱۳- در راه وحدت زحمت می کشد.

حزب ویش زلمیان با چنین برنامه ای داخل فعالیت های سیاسی شده و در طی چند سالی تعداد اعضای شان فزون گردید. روش این پارتهی در مقابل سایر حلقه ها و احزاب سیاسی دوستانه بود و عکس العمل از هیچ طرف در برابر شان محسوس نمی گردید ، لهذا روز به روز در شهرت و اعتبار شان می افزود ، در بین حزب ویش زلمیان یک تعداد محدود اشخاص بودند که می خواستند حزب منحصر و مخصوص به زبان و منطقه باشد ، چنان که صدیق الله خان رشتین در عوض نام ویش زلمیان نام "ویش پشتون" را شعار می داد و حتی در مقالاتی که زیر نام حزب در کتاب ویش زلمیان نوشت، عنوان "ویش پشتون" اختیار کرد. « (۸)

د پانو شمیره: له ۳ تر ۸

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکني د لپکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولی

در مورد این که ویش زلمیان را در اصل سردار محمد داوود خان با حمایت مالی عبدالمجید زابلی، سرمایه دار و وزیر اقتصاد ملی در کابینه شاه محمود خان، غیر مستقیم بوجود آورده بود اکثر نویسندگان و تحلیل گران هم عقیده اند. هدف سردار محمد داوود خان از تشکیل گروه ویش زلمیان این بود که با ایجاد یک هسته به ظاهر ضد آمریکایی، به ریاست محمد رسول پشتون، شاه محمود خان صدراعظم را از صحنه خارج سازد. حقیقت هر چه باشد واقعیت این است که ویش زلمیان، ظاهراً به عنوان یک سازمان سیاسی نیمه لیبرال، توسط تعدادی از نویسندگان و روشنفکران ملی گرا و عمدتاً پشتون تأسیس گردید. ترکیب اجتماعی ویش زلمیان گوناگون بود و در آن دیموکرات ها، خوانین، سرمایه داران، روحانیون و کمونیستها عضویت داشتند. علت این ناهمگونی اجتماعی در آن بود که حزب ایدئولوژی مشخصی نداشت و تنها خواسته ها و آرمانهای مشترک ملی اعضای آن را ظاهراً به هم پیوند می داد. این حزب از نظر تشکیلات نامنظم و فاقد برنامه و اساسنامه مدون بود که اهداف مشترک اعضای آن را وحدت ملی، سلطنت مشروطه و مشارکت مردمی تشکیل می داد.

نور محمد تره کی در مقاله ای تحت عنوان " ما چه می خواهیم ؟ " که در نشریه « انگار » چاپ شد اهداف ویش زلمیان را چنین توضیح می دهد:

« ما در وهله اول غذا، و لو نان خشک باشد می خواهیم، لباس اگر چه درجه سوم باشد می خواهیم، ما مصارف خانگی ... و ملی به پیمانۀ وسیع می خواهیم، ما کار می خواهیم، ما احزاب مشروع برای تربیۀ سیاسی خود می خواهیم، ما برای هرکس در خدمت اجتماعی موقع مساوی خواهانیم، ما سرکها، پلها و عمران مملکت می خواهیم، ما امحای خابینین ملی و اجتماعی را می خواهیم، ما امتیازات قومی و قبیله ای را محو کردن می خواهیم، ما می خواهیم از حال فلاکت بار افراد کنج و کنار مملکت که تا حال پوست های حیوانات زیب تن شان است آگاه شویم، ما می خواهیم رشوت، رشوه خواران و استفاده جویان در رأس امور اجتماعی نباشند، ما می خواهیم یک وحدت ملی برای هدف ملی داشته باشیم ... من میگویم به قوه اتحاد و بیداری ملت و تأیید رژیم شاهی مشروطه و حکومت ملی که البته طبعاً مسؤول به پارلمان خواهد بود همه طبقات در امور اجتماعی صدایی داشته باشند، زیرا اکنون ملت کافی بیدار شده، خادم و خابین را می شناسد» (۹).

دکتر عبدالرحمان محمودی، نیز که در آن زمان عضو ویش زلمیان بود در رابطه با اهداف این حزب می نویسد: « از ما می پرسند که چه می خواهید ؟ جواب مختصر این سؤال روشن بوده و ما مانند تمام افراد بشر یک حکومت دیموکراسی حقیقی می خواهیم ... رژیم دیموکراسی شاهی یا شاهی مشروطه، این نوع حکومت ضامن سعادت امروزی ما بوده و آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات سیاسی و ... در این طرز حکومت مضمحل بوده و مقدرات مردم به دست خودشان سپرده می شود. یعنی ملت، همین که به مفهوم حقیقی دیموکراسی آشنا گردید، پس می داند که شرط اول حکومت مشروطه تشکیل احزاب ملی و دیموکراسی و به اساس آن انتخابات آزاد و انتخاب وکلای طرف اعتماد و صاحب شرافت بوده و چون حکومت از طرف وکلای ملت تشکیل شده اساس حزبیت و حاکمیت کثرت مدار حاکم باشد. پس طبعاً چرخ اجراءات و امور حیاتی در مملکت مطابق مرام مردم به حرکت افتاده و طبعاً سعادت حقیقی مردم تأمین می شود.» (۱۰)

محمودی در سر مقاله شماره دوم نشریه انگار جوانان را مخاطب قرار داده می نویسد: « ای جوانان ! ای کسانی که چشم امید به سوی اعمال و حرکات شما متوجه بوده و محصله فعالیت مادی و معنوی شما روح جمعیت را می سازد ! یکبار چشم های خواب آلود خود را باز نموده به کاروان سرگردان مدنیت نظر انداخته، تلاطم ابشار سیاسی را در اطراف و جوانب خود با دیده معرفت و سنجش مشاهده کرده، خطاها، سیاه روزی ها، مظالم، بدبختی و امیدها و آرزوهای دیرروز و امروز این قوم ستمدیده و عقب مانده را درک کرده و مانند اطبای صادق به درمان دردهای محیط سعی نمایید، مأیوس نباشید.» (۱۱)

د پانو شمیره: له ۴ تر ۸

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

فیض محمد انگار، مدیر مسؤول نشریه انگار در شماره اول آن تحت عنوان "مرامنامه"، اهداف خود را چنین بیان می کند: «گرچه این نامه نسبت به آرزوهای من خیلی کوچک و ناچیز است ولی با آن هم مرام بزرگ و مقدس دارد و آن عبارت است از خدمت به ملت افغان... ما از این حقیقت چشم پوشیده نمی توانیم که ملت ما نسبت به تمام ملل عالم به صدها سال عقب مانده و اکنون به کوچکترین خدمت کوچکترین افراد احتیاج شدید دارد. چون بنده کی از افراد با آرزوی این ملت هستم می خواهم به نوبه خود خدمتی که در خور توان من باشد به این ملت بیچاره بکنم.» (۱۲) .

از بررسی مقالات انگار چنین بر می آید که نویسندگان این نشریه دارای آراء و افکار مختلف بوده و هر یک با توجه به اعتقادات، وضعیت اجتماعی و میزان آگاهی خود روی مسائل خاصی تکیه می کنند. مثلاً تره کی که گرایش کمونیستی داشت به مسائل اقتصادی و مادی تکیه دارد و قبل از همه نان، لباس و کار می طلبد، چرا که اقتصاد در بینش کمونیستی زیر بنای زندگی است. همین خواسته بعد از کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ به شکل شعار اساسی کمونیستها یعنی "نان"، "لباس" و "خانه" مطرح گردید. دکتر عبدالرحمان محمودی روی مسائل سیاسی تکیه دارد و خواستار برقراری دیموکراسی است و معتقد است که در پرتو حکومت دیموکراسی، آزادی بیان، مطبوعات، احزاب سیاسی و انتخابات آزاد پارلمانی تأمین می گردد. فیض محمد انگار روی اصل خدمت به مردم عقب مانده افغانستان تأکید دارد و در رابطه به این که این خدمت چگونه و از چه طریقی صورت بگیرد زیاد سخن نمی گوید. با وجود ناهماهنگی در آراء و عقاید رهبران ویش زلمیان، همان طوری که گفته شد دیموکراسی در چارچوب رژیم شاهی مشروطه، آزادی بیان و مطبوعات، تشکیل احزاب سیاسی، فراهم ساختن فرصت مساوی کار و خدمت برای همگان (مشارکت همگانی) و پیشرفت افغانستان، هدف مشترک همه آنها را در آن مرحله تشکیل می داد، اما راههای رسیدن به این اهداف مختلف بود و این اختلاف شفاف نشده بود. صرف نظر از اهداف نظری ویش زلمیان که خواستار دیموکراسی بودند، نمایندگان این حزب در دوره هفتم مجلس شورای ملی عملاً سه هدف را دنبال می کردند. این اهداف عبارت بودند از: تضعیف دولت شاه محمود خان، مخالفت با نفوذ اقتصادی امریکا در افغانستان و تقویت روحیه پشتون سالاری. این مسأله نشان می دهد که حداقل جناحی از ویش زلمیان آگاهانه در راستای اهداف عبدالمجید زابلی که هوادار شوروی سابق بود و سردار محمد داوود خان که می خواست بر کرسی صدارت تکیه بزند فعالیت می کرد.

قابل ذکر است که گل پاچا الفت، فیض محمد انگار، عبدالرؤف بینوا و عبدالحی حبیبی فراکسیون پارلمانی ویش زلمیان را در دوره هفتم مجلس شورای ملی تشکیل می دادند. این فراکسیون با افراد و شخصیت های دیگری چون میرغلام محمد غبار و عبدالرحمن محمودی در شورا هماهنگ بود. اما میر غلام محمد غبار اعضای فراکسیون پارلمانی ویش زلمیان را تنها دو نفر ذکر می کند که عبارت اند از: گل پاچا الفت از ننگرها و نور محمد خان وکیل پنجوایی قندهار. همانطوری که گفته شد نشریه "انگار" ارگان نشراتی حزب ویش زلمیان به شمار می رفت و فیض محمد انگار صاحب امتیاز و مدیر مسؤول آن بود. با وجود آن علاوه بر کمونیست ها، اشخاص دیگری نیز معتقد اند که اداره نشریه مذکور عملاً در دست نور محمد تره کی که در آن زمان کارمند شخصی عبدالمجید زابلی بود قرار داشت. نشریه انگار که هفته دو بار نشر می شد، اهداف و خواسته های افراد و جناح های مختلف فکری و اجتماعی ویش زلمیان را منعکس می ساخت. حمایت از پشتون ها و بلوچ های پاکستان، یکی از اهداف تبلیغاتی مهم این نشریه بود که با سیاست حکومت شاه محمود خان و نظریات محمد داوود خان هماهنگی داشت. در زمان شاه محمود خان، حتی تدریس زبان پشتو اجباری گردید و با تلاش نمایندگان ویش زلمیان و سایر ملی گرایان روز نهم سنبله به عنوان روز آزادی پشتونستان در مجلس شورای ملی تصویب شد.

نمایندگان ویش زلمیان و افراد هم جهت با آنان در دوره هفتم مجلس شورای ملی که ظاهراً مخالف دولت بودند و غبار این مجموعه را "جبهه ملی" می نامد عبارت بودند از: گل پاچا الفت، عبدالحی حبیبی، صلاح الدین سلجوقی، عبدالهادی داوی، مولوی خال محمد خسته، محمد کریم نزیهی، نظر محمد نوا، میرغلام محمد غبار، دکتر عبدالرحمان محمودی و غیره. پس از آن که آراء و افکار اعضای ویش زلمیان شفاف تر گردید و همسویی عده ای از اعضای

مؤسس آن با زابلی و سردار محمد داوود آشکار شد، حزب به دو جناح تقسیم شد. جناحی که شامل قاضی بهرام ، عبدالهادی توخی، عبدالحی حبیبی، عبدالرؤف بینوا، گل پاچالفت و فیض محمد انگار می گردید مخالف همکاری و وابستگی به عبدالمجید زابلی بودند و جناح دیگری که مرکب از نور محمد تره کی، غلام حسن صافی بود از زابلی حمایت می کرد . جناح اول قدرتمند تر از جناح دوم بود و اگر آن وضعیت ادامه می یافت بر حزب مسلط می شد. چنین وضعیتی حزب را از اختیار زابلی خارج می ساخت و محمد داوود خان هم به هدف نمی رسید. به همین دلیل داوود و زابلی دست از حمایت ویش زلمیان (جناح اول) برداشتند تا این که بعد از تظاهرات هواداران محمودی و غبار در سال ۱۳۳۱ که در اعتراض به شکست آنها در انتخابات دوره هشتم مجلس شورای ملی صورت گرفت، سران ویش زلمیان و سایر احزاب دستگیر شدند .

از جمله اعضای مهم ویش زلمیان، نور محمد تره کی به عنوان وابسته مطبوعاتی به واشنگتن و عبدالرؤف بینوا به هند فرستاده شدند و عبدالحی حبیبی که نماینده شورای ملی بود به پاکستان هجرت کرد. حبیبی در پاکستان نشریه ای را به نام "آزاد افغانستان" منتشر می کرد و در آن از دولت افغانستان و آل یحی (خانواده سلطنتی) انتقاد می نمود. او در یکی از سرمقاله های نشریه مذکور در رابطه با مظالم آل یحی در افغانستان چنین نوشته است: « در سال ۱۳۲۸ که به دوره هفتم شورای ملی وکیل مردم شهر قندهار بودم نیز علناً برخلاف مظالم انسانیت سوز آل یحی(علیهم ما علیهم) در مجلس شورای ملی مقاومت علنی می کردم و تمام مردم کابل که شاهد و ناظر وقایع بودند مطلع اند و کفی بالله شهیداً . چون دودمان یحی به هیچ صورتی از صور حاضر نشد که دست ظلم و فشار را از گریبان ملت مظلوم افغان بکشد و یا حقوق ملی مردم را به آنها بدهد ، بنابراین برای ادامه تحریک آزادی خواهی که ریشه های آن در دل فرد فرد ملت افغان محکم است ، پارسال به پاکستان آمدم و اگر در داخل خاک وطن مقاومت علنی مشروع و قانونی از راه تشکیل احزاب سیاسی، پیشبرد این تحریک مقدس میسر بودی هر آینه به کشور دیگری نیامدمی و خاک عزیز افغانستان را بدرود نگفتمی.» (۱۳) .

در حقیقت، طرفداران زابلی در حزب ویش زلمیان نه تنها مجازات نشدند بلکه با اعزام به خارج از کشور مورد تشویق هم قرار گرفتند، تنها عناصر غیر وابسته و ملی چه از ویش زلمیان و چه از گروههای وطن و خلق و سایر جریان های فکری و سیاسی، به زندان های طویل المدت محکوم شدند و بعضی از آنها حتی در زندان جان سپردند .

غبار ، در رابطه با زندانیان ویش زلمیان چنین می نویسد :« در سال ۱۳۳۱ (اوایل سال ۱۹۵۲) یک عده رهبران ویش زلمیان قندهار در محابس کابل و قندهار به زندان افتادند، از قبیل: محمد انور خان اچکزایی، عبدالهادی خان توخی، غلام جیلانی خان الکوزایی، قاضی بهرام خان، قاضی عبدالصمد خان، محمد یوسف خان مجددی (در محبس کابل)، فیض محمد خان انگار، محمد علم خان اچکزایی و حاجی محمد حسین خان هوتکی (در محبس قندهار). محمد رسول خان پشتون نیز در ولایت بغلان تبعید شد و محمد عزیز خان توخی جداگانه محبوس گردید. یک نفر از این ها (خدای دوست خان) در سال هشتم محبوسی خود در زندان کابل بمرد، و عبدالهادی خان توخی، قاضی بهرام خان و عزیز خان توخی تقریباً دوازده سال در محبس بماندند. محمد انور خان اچکزایی در سال چهارم از محبس خارج شدند. همچنین محمد ابراهیم خان خواخوژی قبلاً در سال ۱۳۲۹ برای چهار ماه محبوس گردیده بود. به تعقیب آن حزب ویش زلمیان در دوره صدارت سردار محمد داوود خان (۱۹۵۳) عملاً از صحنه سیاست خارج کرده شد و فقط بعضی حلقه های کوچکی به شکل رفقای قدیم حزبی باقی ماند.» (۱۴) .

اعضای حزب ویش زلمیان را حدود یکصد نفر ذکر کرده اند، اما در کتاب ها و نشریات موجود نام ۲۳ تن از آنان ثبت شده است.» (۱۵)

د پانو شمیره: له ۶ تر ۸

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

منابع و مأخذ

- ۱- دافغانستان کالنی (= سالنامه افغانستان) شماره ۴۴، ثور ۱۳۵۸، ریاست نشرات وزارت اطلاعات و کلتور، مدیر مسوول: راحله راسخ خرمی، ص ۷.
- ۲- ظهور و زوال حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، ص ۱۱۴.
- ۳- همان منبع، همان صفحه.
- ۴- همان منبع، ص ۱۱۵.
- ۵- همان منبع ص ۱۱۵ - ۱۱۶.
- ۶- همان منبع ص ۱۱۶، ۱۱۸، و ۱۱۹.
- ۷- افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم، ۲۴۰ - ۲۳۹.
- ۸- همان منبع، همان صفحه.
- ۹- انگار به معنای خوریج آتش.
- ۱۰- جریده انگار، شماره اول، ۹ حوت ۱۳۲۹، ص ۲.
- ۱۱- همان منبع شماره دوم، ۱۳ حوت ۱۳۲۹، ص ۲.
- ۱۲- همان منبع، همان شماره و همان صفحه.
- ۱۳- همان منبع، شماره اول، صفحه اول.
- ۱۴- مبارز، عبدالحمید، تحلیل واقعات سیاسی افغانستان، چاپ اول، سال ۱۳۷۵، صفحه ۱۲۰. افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم، ص ۲۴۱.
- ۱۵- آغاز و فرجام جنبش های سیاسی در افغانستان، ص ۱۴۸ - ۱۵۹.

اعضای اصلی نهضت جوانان بیدار

| | |
|------------------------|----------------------------|
| عبدالواحد خان | از قندهار: |
| غلام جیلانی خان الکوزی | آغامحمد رحمانی |
| غلام دستگیر خان پوپل | آغامحمد کرزی |
| غلام رفیع الدین مجددی | تپک چند |
| فضل محمد خان | چپ ملا اختر محمد اخوندزاده |
| قاضی بهرام اخکزی | حاجی خدایدوست |
| قاضی عبدالصمد | حاجی محمد آصف پاس یوسفی |
| محمدولی زلمی | حاجی محمدانور خان اخکزی |
| محمدابراهیم خواخوری | حاجی محمدحسین |
| محمداعظم ایازی | حضرت محمدیوسف مجددی |
| محمدحسین رییدی | داس |
| محمدحسین طالب | سیدعبدالوهاب آغا |
| محمددین ژواک | شپراحمد رحمانی |
| محمدرسول پشتون | عبدالاحد عارض |
| محمدرسول مسلم کاکر | عبدالحی حبیبی |
| محمدرفیق خان | عبدالرحمن دندان ساز |
| محمدعلم بخرکی | عبدالرحیم کندهاری |
| محمدعلی خان | عبدالشکور رشاد |
| محمدکریم خان اسحق زایی | عبدالصمد افشاری |
| محمدنور خان علم | عبدالغنی خان میوندی |
| نوراحمد یرپخ | عبدالهادی هادی |

د پانو شمیره: له ۷ تر ۸

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

نور احمد شاکر
وکیل نور محمد
از کابل:
اولیاءالدین خان
داکتر علی احمد
عبدالرشید لطیفی
سیفی
شاه مرد ملیا ساپی
سید شمس الدین مجروح
محمد صدیق الله ربینین
عبدالحبيب ساپی
عبدالرحمن محمودی
عبدالرزاق فراهی
عبدالرووف بینوا
عبدالقدير فهيم
عبدالله بختانی خدمتگار
غلام حسن خان صافی
غلام محمد غبار
غلام محی الدین زرمتمی
فضل ربی پژواک
فیض محمد انگار
قیام الدین خادم
گل پاچا الفت
محمدارسلان سلیمی
محمدطاهر صافی
محمدکریم سرمعلم
محمدیموسی شفیق
منشی منظور محمد
مولینا عبیدالله ساپی
نور محمد تره کی
نیک محمد پکتیانی

پایان

د پانو شمیره: له ۸ تر ۸

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ